

زبانی سخت اما کودکانه

این که یک کتاب چه قدر بتواند دل مخاطبش را به دست آورد و نظر او را به سمت خود جلب کند، بیش از هر چیز به ذهنیت خلاق یک نویسنده مربوط است؛ ذهنیتی که گاه با کمک گرفتن از دیدگاهی کاملاً ادبی و با بهره‌گرفتن از عناصری فنی، در شکلی منحصر به فرد جلوه می‌کند.

شاید راهنمای این معمای پیچیده، ذره‌ای تجربه باشد که بر بال خیال و رؤیا سوار می‌شود تا به مقصدی محتوم راه یابد.

اساس شعر نیز بر چنین ساختمانی استوار شده؛ ساختمانی که اجزای آن را خیال، ادبیت، خاطره، رؤیا، تجربه و عناصری دیگر می‌سازند. حال اگر این تجربه که حاصل جمع تمام این معانی است، بر بستری از ادبیات آرام گیرد، آن وقت مخاطب می‌تواند به کنش اثر هنری امیدوار باشد. اما در این جا مخاطب ما، مخاطبی نیست که هم‌قد ما باشد. برای سخن گفتن با او باید زانوها را کمی خم و زبان را اندکی تلطیف کرد. آن چنان که برای گفت‌وگو با بزرگان نیز باید قدی بلند داشت تا زبان، گویای مفهوم ذهنی ما باشد.

شعر کودک، یعنی آن چه امروز به این نام خطابش می‌کنیم، طبعاً خصلت‌هایی دارد که مایه اصالت آن است. وزن و آهنگ، به تنهایی جای معنا و زبان را می‌گیرند و این بدان معنا نیست که می‌توانیم شعر بی‌معنا، اما وزن‌دار بگوییم و ذهن او را تسخیر کنیم و درست به همین دلیل، نمی‌توانیم به صرف معنای زیبا و شاعرانه، کودک را از لذت شنیدن آهنگ و موسیقی محروم کنیم. چه این که هر یک از این مفاهیم، نافی معنای دیگری نیست، اما آن چه از تجربه آموخته‌ایم، این است که شعر وزن‌دار که از ریتم تند و شادی برخوردار است بیشتر مورد قبول مخاطبان خود قرار می‌گیرد. مثلاً به این شعر کودکانه توجه کنید:

نرو بالای درخت
جورابت پاره می‌شه
به مامان گفته می‌شه
آمولانس پشت دره
تو جیبش انگشتره

بیت آغازین این ترانه بچگانه، معنایی آموزشی دارد، اما مصراع‌های بعدی بی‌ربط و بعضاً بدون معناست. اما نکته عجیب این است که به خوبی در ذهن کودک نفوذ می‌کند و لذت آهنگ و ریتم را به او می‌چشانند.

بنابراین، برای رسیدن به شعر ایده‌آل کودک، باید دو نکته را مورد توجه قرار داد:

۱- در شعر این گروه سنی، توجه به وزن و آهنگ و ریتم، از نکات بایسته‌ای است که هر شاعر باید آن را مدنظر خود قرار دهد.

۲- معنا، نکته‌ای کلیدی و تأثیرگذار است. اگر معنای استفاده شده و مطلبی که منظور شاعر است،

○ عزت‌الله الوندی



- عنوان کتاب: بزغاله خانم
- نویسنده: تقی متقی
- تصویرگر: غلامعلی مکتبی
- ناشر: نشر قو
- نوبت چاپ: اول ۱۳۸۲
- شمارگان: نسخه ۵۰۰۰ نسخه
- تعداد صفحات: ۱۸ صفحه
- بها: ۴۵۰ تومان

- عنوان کتاب: گل باد باران
- نویسنده: تقی متقی
- تصویرگر: غلامعلی مکتبی
- ناشر: نشر قو
- نوبت چاپ: اول ۱۳۸۲
- شمارگان: نسخه ۵۰۰۰ نسخه
- تعداد صفحات: ۱۸ صفحه
- بها: ۴۵۰ تومان



شعر کودک، یعنی آن چه امروز به این نام
 خطابش می‌کنیم، طبعاً خصلت‌هایی دارد که
 مایه اصالت آن است. وزن و آهنگ،
 به تنهایی جای معنا و زبان را می‌گیرند و
 این بدان معنا نیست که می‌توانیم شعر بی‌معنا،
 اما وزن‌دار بگوییم و ذهن او را تسخیر کنیم و درست
 به همین دلیل، نمی‌توانیم به صرف معنای زیبا و شاعرانه،
 کودک را از لذت شنیدن آهنگ و موسیقی
 محروم کنیم

درست، زیبا و از لحاظ زبانی محکم باشد، بدون
 شک باعث افزایش ضریب توجه و جذابیت اثر
 می‌شود و هم‌چنین، در تقویت تخیل دخیل خواهد
 بود.

بازی ریتم و وزن

گل، باد، باران و بزغاله خانم، دو مجموعه شعر
 از تقی متقی است که برای گروه سنی الف و ب
 سروده شده. در این دو مجموعه شعر، به هر دو
 موضوع از سوی شاعر، عنایتی ویژه شده است که
 هر یک را در قیاس با مجموعه شعرهایی که امروزه
 به بازار عرضه می‌شود، باید مجموعه‌هایی موفق
 نامید.

شاعر در گل، باد، باران، هفت شعر عروسک،
 شیطان کوچک، گل، باد، باران، قاصدک، نشان
 پرواز، برف و مداد رنگی را گنجانده است و برای
 سرودن این شعرها قالب چارپاره را برگزیده که این
 روزها قالب غالب شعرهای کودک و نوجوان است.
 متقی با در نظر گرفتن سن مخاطب، علاوه بر
 انتخاب قالب چارپاره، از وزن‌های کوتاه و ریتمیک
 نیز استفاده کرده است تا معنا را در پاره‌های کوتاه
 به مخاطب خود انتقال دهد:

مفاعیلن مفاعیلن (عروسک)، مستفعلن فع
 (شیطان کوچک)، مستفعلن فعلن (گل، باران)،
 فاعلاتن فاعلات (قاصدک)، مفاعلن فعولن (نشان
 پرواز)، مستفعلن مستفعلن (مداد رنگی)، مستفعلن
 فاعلاتن (بزغاله خانم) و مفعول فاعلاتن (وقتی
 که مادرم نیست).

مجموعه افاعیلی که شاعر از آن‌ها برای
 سرودن شعر استفاده کرده، به قرار بالاست و
 همان‌طور که پیاداست، او از هشت وزن مختلف
 برای شعرهایش بهره گرفته و این تنوع، به او
 امکان داده تا نوع موسیقی ارائه شده از جانب او،
 متنوع، دل‌نشین و ریتمیک باشد؛ چنان که این

هشت وزن، برای ۱۳ شعر در نظر گرفته شده است
 و تنها سه شعر وزن تکراری دارند.

این مسئله، به مخاطب اجازه می‌دهد تا با
 عوض شدن شعر و وزن آن، وارد فضایی دیگر شود
 و همین امر شعرها را از هم جدا می‌کند و به هر
 یک از آن‌ها شخصیتی خاص می‌دهد. استفاده از
 وزن‌های شاد، مثل مفاعیلن فعولن، مستفعلن فع و
 مفاعیلن مفاعیلن به شاعر امکان می‌دهد از کلام
 کوتاه بهره بجوید و کلمات را بر محمل وزن، به
 رقص درآورد. ضمن آن که استفاده از وزن‌هایی که
 در آن آکسان‌ها بیشتر است، شعر را سنگین‌تر و
 موقرتر می‌کند و بنابراین، واژه‌هایش ثقیل‌تر و
 موسیقی‌اش پرسکوت‌تر خواهد بود.

زبان شعر کودک: زبان بیان رویاها

این مجموعه با یک سؤال شروع می‌شود:
 کجا هستی عروسک جان؟
 آن چه بیش از هر چیز دیگر، در نوع سرایش
 متقی تأثیر گذاشته، زبان دوگانه اوست که این
 دوگانگی، در هر دو مجموعه به چشم می‌خورد و به
 نظر می‌رسد شاعر، برای پیراستن زبان از برخی
 ناراستی‌های زبانی، کم‌تر کوشیده است:

کجا هستی عروسک جان؟

به دنبال تو می‌گردم

بیا بنشین کنار من

برایت هدیه آوردم..

این بند را مقایسه کنید با الف:

تو وقتی نیستی پیدا

دل‌انگار می‌میرد

و ب:

پیشوی دامن خود را

بخندی شادمان با من

و برداری بلوزت را

به آرامی کنی بر تن

در مورد نمونه الف، شاعر از مفهومی مدد
 جستجو است که اندکی با دنیای کودکان فاصله دارد.
 دل‌مردگی شاید از مفاهیمی نباشد که کودکان با
 آن خیلی آشنا باشند. اگر به یکی دو بیت بعد
 مراجعه کنیم (و این هم بالمش نازی/ که روی آن
 کنی لالا) درمی‌یابیم که زبان در مورد نمونه ب و
 مفهوم در مورد نمونه الف، با این نوع بیان تفاوت
 دارد و کمی فاصله مخاطب را با شاعر زیاد می‌کند.
 گفت‌وگوی یک کودک با عروسک خود،
 می‌تواند زیباتر از این شکل بگیرد؛ آن‌چنان که
 شاعر با تصویری بسیار زیبا و زبانی ساده و رسا،
 توانسته شعر بابا با سه ابرو را خلق کند:

بابا سرشش طاس است

یعنی ندارد مو

اما به جای آن

دارد سه تا ابرو

بالای چشم چپ

بالای چشم راست

یک ابروی دیگر

پشت لب باباست

می‌پرسم این را من

وقتی که از بابا

با خنده می‌گوید

او هم جوابم را:

«ابرو کجا بوده

پشت لب بابا

بی‌ابرو کردی

دختر سیبلم را

این تصویر زیبا که از سوی شاعر ارائه
 می‌شود، اولاً خیال‌موج کودک را برای هم سن و
 سالش تصویر کرده، ثانیاً به او تأکید کرده که در
 خیال‌پردازی آزاد است و ثالثاً واژه‌ای تازه را به
 کودک آموخته است. مورد سوم در شعر بزغاله خانم
 هم دیده می‌شود؛ یعنی نوعی واژه‌آموزی:

بزغاله خانم یتیم است

یعنی که مادر ندارد

این کارکرد زبانی، در شعر بابا با سه ابرو نیز علاوه بر بیت آخر، در بیت اول نیز مشهود است:

بابا سرش طاسی است

یعنی ندارد مو...

تصویرسازی‌های شاعر، در برخی ترکیب‌ها بجا و زیباست و در برخی جاها نیز با وجود زیبایی، هم‌چنان بدون در نظر گرفتن آگاهی مخاطب است. در این بیت دقت کنید:

متقی با در نظر گرفتن سن مخاطب،

علاوه بر انتخاب قالب چارپاره،

از وزن‌های کوتاه و ریتمیک نیز

استفاده کرده است تا معنا را

در پاره‌های کوتاه به مخاطب خود

انتقال دهد



یا که شاید قلک

آرزوهایت شکست

اول آن که ترکیب شکسته است، یعنی وزن باعث شکستن ترکیب شده و قلک را از آرزوهایت جدا کرده. دوم آن که این ترکیب حداقل ترکیبی نوجوانانه است. در معنای این دو بیت که یکی از بندهای شعر نشان‌پرور است، توجه کنید:

کبوترم گذر کرده

ز یک دو بادبادک

و موج زد بر شادی

نگاه چند کودک

کمی مسامحه و سهل‌انگاری شاعر در زبان، باعث ایجاد نقصی بزرگ در شعر شده است.

۱- برای بیان شعر، به ویژه برای کودک، آن هم کودکی که هنوز راه مدرسه را نمی‌داند، نزدیک

شدن به زبان محاوره، یکی از اصول موفقیت است و نزدیک شدن به زبان محاوره، بدان معنا نیست که زبان را دچار شکستگی کنیم، بلکه بدان مفهوم است که زبان را برای او ملموس‌تر سازیم. بنابراین، استفاده از واژه‌هایی عینی‌تر و تجربه شده‌تر برای او، می‌تواند در درک شعر و علاقه‌مند شدن بر آن تأثیر داشته باشد.

پس بهره گرفتن از نوعی شگرد قدمایی، از جمله استفاده از «ز» به جای «از» کاملاً مردود خواهد بود. این مسئله، متأسفانه حتی در کتاب‌های درسی دوره دبستان هم در شاعران معاصر دیده می‌شود.

«ز» در آن جا هم مسلماً گویای «از» خواهد بود، اما گوش مخاطب را به شنیدن شکلی غلط از واژگان یا حرف‌های اضافه عادت خواهد داد. کلماتی چون آگه، نگه، گر، ار و... از سوی شاعران معاصر نیز بارها استفاده می‌شود. در حالی که عادت غلط استفاده از شکل مخفف کلمات یا حرف‌های اضافی، حاصل سهل‌انگاری شاعر در یافتن زبانی درست است و البته به ضرورت وزن.

خوشبختانه، این مسئله در کتاب بزغاله خانم، تکرار نشده است و در آن جا زبانی متعادل‌تر و نزدیک‌تر به زبان کودک، نسبت به کتاب اول، دیده می‌شود.

تخیل ناب، رویایی کودکانه

شاید یکی دیگر از اسباب راه یافتن به ذهن کودکان، پرداختن به تخیل ناب کودکان باشد؛ تخیلی که در جاندارپنداری عناصر اطراف کودک نیز دیده می‌شود. این امر شایع که در تمامی کودکان دیده می‌شود، وسیله‌ای است برای ادراک دنیای درونی آن‌ها. وقتی کودکی با اسباب‌بازی، عروسک، یا نقاشی‌هایش سخن می‌گوید، در واقع دنیایی خیالی ترسیم می‌کند که در اغلب ما پیشتر وجود داشته است.

جاندارپنداری عناصر بی‌جان، دست مایه کار بسیاری از شاعران و نویسندگان بوده است؛ چنان که در دو کتاب گل، باد، باران و بزغاله خانم متقی متقی هم دیده می‌شود.

شاعر در شعر نخستین کتاب اول، با بیانی کودکانه، هم‌زمان عروسکی می‌شود که هم بازی گاه‌گاه اوست. او عروسک را به «لالا» کردن بر ناز بالشی زیبا فرا می‌خواند تا تصویری زیبا از تخیل کودکانه شکل بگیرد و هنگامی این تصویر کامل می‌شود که شاعر، شعر مداد رنگی را می‌سراید.

او در این شعر، از مدادی سخن می‌گوید که گم شده، از من و تو می‌پرسد آیا مدادش را ندیده‌ایم تا بند آخر که:

حالا پیرسم دیده است

آیا مدادم را کسی؟

طفلك مداد رنگی ام

می‌میرد از دلواپسی!

در این شعر، مثل شعر عروسک، گفت‌وگو با مداد رنگی و هم‌چنین جاندار پنداری آن خیلی صریح و واضح نیست، بلکه راه را برای تفکر مخاطب کم سن و سال خود باز گذاشته است. در عین حال، انس عمیق بچه‌ها را با چیزهایی که در مالکیت آن‌هاست، به خوبی بیان کرده است.

این شگرد در شعر بزرگ سال، جایگاهی ویژه دارد و از آن به عنوان Personification (تشخیص) نام برده می‌شود که در شعر کهن ما بسیار جا افتاده و بسیار به کار رفته است. برفه، قاصدک، بزغاله، گربه و... از دیگر مواردی هستند که شاعر با آن‌ها هم سخن شده است. هر چند گفت‌وگو با حیوانات، چنان عجیب و غریب به نظر نمی‌رسد.

در شعر گربه ناز نیز شاعر که خود را کودکی انگاشته، کوشیده شباهت زندگی خود را به زندگی یک گربه، نشان دهد:

یک گربه ناز

در خانه ماست

زرد و سفید است

زیبای زیباست

مامان او هم

خیلی قشنگ است

رنگش حنایی است

عین پلنگ است

مامانش از صبح

رفته سرکار

کرده کمی دیر

امروز انگار

وقتی بیاید

با دست پر باز

او را دهد شیر

او را کند ناز

در هر حال، مجموعه‌های شعری که از آن‌ها یاد شد، مجموعه‌هایی خواندنی برای بچه‌هاست. به ویژه آن که در نوع چاپ آن، کوشش و سرمایه‌ای قابل تقدیر صرف شده و بیش از همه این‌ها، تصویرگری آقای غلامعلی مکتبی است که به نظر می‌رسد با نگاهی تازه‌تر و لطیف‌تر به تصویرگری کتاب کودک نگاه کرده. با نگاهی به تصویرهای کتاب، می‌توان دریافت که نقاشی‌ها متناسب با گروه سنی الف و ب هست، اما برخی شعرها از لحاظ زبانی، تناسبی با این گروه سنی ندارند و کمی نوجوانانه به نظر می‌رسند.